



چگونه شکاف پارادایمی در تحقیقات حسابداری مدیریت را پر کنیم؟

بررسی نقش روش رویکردهای مختلط

محمدحسین ودیعی^۱ * * اسماعیل طاهرزاده^۲

مین همایش ملی دانشجویی

چکیده

در این مقاله در مورد نقش تحقیقات روشهای مختلط در حسابداری مدیریت و نحوه کمک آن به محققان برای پرکردن شکاف بین پارادایم اصلی و جایگزین کارکردگرای اقتصاد محوری بحث شده است که توسط دیدگاههای تفسیری و انتقادی گزارش شده است. با توجه به موانع زیاد برای گفتمان در میان این پارادایمها، به شکلی خلاصه بیان شده است که چگونه تحقیقات روشهای مختلط را می توان به عنوان بخشی از راهبرد بررسی همه جانبه برای تقویت مشارکت بین پارادایمی تجهیز کرد.

کلمات کلیدی: روش های تحقیق مختلط، پارادایم، حسابداری مدیریت

^۱ دانشیار حسابداری دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی

مشهد، mhvadeei@um.ac.ir

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد واحد بین الملل،

esmaeil.taherzade@gmail.com



۱. مقدمه

در این مقاله در مورد نقش تحقیقات روش‌های مختلط در حسابداری مدیریت بحث شده و تاکید خاصی بر این شده است که چگونه این تحقیقات می‌توانند به پرکردن شکافی کمک کنند که اخیراً رویکردهای اصلی اقتصاد محور را از رویکردهای جایگزین جامعه‌شناسی مجزا کرده است که توسط دیدگاه‌های تفسیری و انتقادی گزارش شده اند. لازم است که این موضوع در شبیه‌سازی گفتمان همه‌جانبه در بین این پارادایم‌ها بررسی شود. تحقیقات روش‌های مختلط - که در آن رویکردهای کیفی و کمی ترکیب می‌شوند - اخیراً به شکل گسترده‌ای در منابع حسابداری مدیریت بررسی شده اند و شهرت آنها افزایش یافته است (به عنوان مثال اندرسون و وایدنر، ۲۰۰۷؛ میلیس و موندی، ۲۰۰۵؛ مدل، ۲۰۰۵). با این حال در اغلب این بحث‌ها تاکید نسبتاً فنی وجود دارد و به ندرت مفاهیم پارادایمی عمیق‌تر در انجام چنین تحقیقاتی بررسی شده اند (براون و بریگنا، ۲۰۰۷؛ مدل، ۲۰۰۷، ۲۰۰۹). به طور کلی موضوع تحقیقات روش‌های مختلط برحسب گرایش آن برای توانمندسازی محققان در ترکیب عمق و دامنه برای افزایش روایی یافته‌های تحقیقات از طریق بررسی همه جانبه و برای تسهیل تجهیز نظریه‌های مختلف در بررسی روش‌های حسابداری مدیریت بیان شده است. توجه کمی به این موضوع شده است که تحقیقات روش‌های مختلط تلاش‌های تحقیقاتی را رهبری کرده و گفتمان در بین شکاف پارادایمی مذکور را ترویج می‌کنند. این موضوع نگرانی اصلی این مقاله است.

در این مجال با شرح مختصر در مورد انجام و نگارش تحقیقات روش‌های مختلط در حسابداری مدیریت به بعضی از موضوعات پارادایمی به وجود آمده در طول کار اشاره خواهد شد. این بحث در بعضی موارد و مشاهدات موانع بالقوه برای پیوند پارادایم‌ها را مهار می‌کند که در بخش بعدی بررسی خواهند شد. نهایتاً اینکه چگونه ممکن است تحقیقات روش‌های ترکیبی به عنوان بخشی از راهبرد بررسی همه جانبه برای غلبه بر این موانع به کار برده شوند، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. انجام تحقیقات روش‌های مختلط و نگارش آنها

تحقیقات روش‌های ترکیبی، با مطالعه‌ای در بخش مراقبت‌های بهداشتی نروژ شروع شد (مدل و لی، ۲۰۰۱). مطالعه با مرحله پژوهش محوری شروع شد که تاثیر تمرکززدایی بر تکیه بر اصل کنترل‌پذیری در سطح میانی مدیریت بیمارستان دولتی بزرگ را بررسی می‌کرد. با اینکه فرضیه اولیه مقاله حاضر و طراحی پژوهش به طور عمده توسط رویکردهای کارکردگرا گزارش شده بودند (به عنوان مثال، نظریه نمایندگی)، اما مقداری آزادی برای دیدگاه‌های نظری جایگزین حفظ شده است که با مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته ترکیب شده است. این کار مفید به نظر می‌رسید زیرا یافته‌های پژوهش حاضر تنها به شکلی جزئی تایید شده و غیر قطعی هستند. با این حال داده‌های مصاحبه به خوبی نشان داده‌اند که عوامل نهادی و سیاسی تا حدودی مختص بخش مراقبت بهداشتی



نروژی هستند و تاثیر واسطه‌ای مهمی بر ارتباط بین تمرکززدایی و تکیه بر اصل کنترل‌پذیری دارند. این روابط با تکمیل مدل اصلی پژوهش حاضر با بینش‌هایی از جامعه‌شناسی نونهادگرایی در نظر گرفته می‌شوند. از این رو داده‌های مصاحبه این امکان را به وجود آوردند که نظریه‌های موجود احتمالات اجرای اصل کنترل‌پذیری را در ارتباط با کنترل بودجه‌ای توسعه داده شوند.

با تکمیل این مطالعه تجربی، یافته‌های مطالعه حاضر با یافته‌های سایر محققان حسابداری مدیریت مقایسه شد که تحقیقات مشابهی را انجام داده بودند. این مقایسه به بررسی جامعی از تحقیقات حسابداری مدیریت منجر شد که بر بررسی همه‌جانبه بین روشهای پژوهش محور و مطالعه موردی منتشر شده در ژورنال‌های مهم حسابداری بین ۱۹۷۰ و ۲۰۰۲ می‌پرداختند (مدل، ۲۰۰۵). این مقاله این مساله را بررسی کرده است که چگونه شکل‌های مختلف بررسی‌ها ممکن است در تایید یافته‌های تحقیقاتی نقش داشته باشند و سه رویکرد متمایز را برای این هدف مشخص کرده است. مطالعه حاضر به شکلی نسبتاً طبیعی به برابری کاربرد روش‌های کیفی و کمی به ترتیب با پارادایم‌های کیفی و کمی شروع کرده است. با اینکه تعدادی از مطالعات که به شکلی صریح این پارادایم‌ها را ترکیب می‌کردند مشخص شده‌اند اما قرار دادن این بررسی‌ها بین آنها با مشکلاتی مواجه شد و واکنش‌های نسبتاً شدیدی را در کنفرانسهای مختلف بوجود آورد. خصوصاً بعضی از محققان انتقادی و تفسیری این مورد را به عنوان موقعیتی غیرقابل دفاع مشاهده کردند و این ادعا را داشتند که بررسی همه جوانب در بین پارادایم‌ها ممکن نیست زیرا مفهوم روایی معانی خیلی متفاوتی دارد که در فرضیه‌های مختلف معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی استفاده شده‌اند. پاسخ نوشتار حاضر به این انتقادات که نشان‌دهنده گنگی مفهوم پارادایم است، تغییر مقاله به شکل انحصاری در پارادایم کارکردگرا و در حین حال اتخاذ موقعیت عمل‌گرای ذاتی ولی بحث‌انگیز بود مبنی بر اینکه انتخاب نظریه‌ها و روش‌های خاص می‌تواند (و اغلب) جدا از ریشه‌های هستی‌شناسی آن باشد.

با این حال احساس می‌شود که هنوز هم کارهای تمام‌نشده‌ای وجود دارند که باید انجام شوند تا اساس فلسفی پایداری برای آن تحقیقات روشهای مختلط توسعه یابد که عناصر رویکردهای تفسیری و کارکردگرا را ترکیب می‌کنند. این کار منجر به کشمکش با عمل‌گرایی به عنوان ابزاری برای این هدف می‌شود. عمل‌گرایی به عنوان مکتب فلسفی رایج در تحقیقات روشهای مختلط ظهور کرده است (مدل، ۲۰۰۹). رئالیسم انتقادی به عنوان اساس جالب‌تری برای تحقیقات روشهای مختلط مشاهده شد که «دیدگاه‌های میانی» پارادایمی را ارائه می‌دهد که شامل رویکردهای تحلیلی است که به شکل آشکار برای تایید مشاهدات تجربی بیان می‌شوند. هم‌چنین اساس متقاعدکننده‌ای برای بررسی انتقادهای فلسفی مفهوم «بررسی همه‌جانبه» ارائه می‌دهد. با این حال آشکار شد که انگیزه مطالعه پیش رو به هیچ وجه از نظر سیاسی بی‌طرف نبود.



۳. موانعی در گفتمان بین پارادایمی در تحقیقات حسابداری مدیریت

بحث بالا پیشنهاد می‌کند که موانع تحقیقات روشهای مختلط به عنوان روشی از شبیه‌سازی گفتمان بین پارادایم‌های «اصلی» و «جایگزین» خصوصا در مورد قبلی تثبیت شده‌اند. این برداشت با مفاهیم رایج «اصلی» احتمالات (و مطلوبیت) چنین گفتمانی تقویت می‌شود و تقریبا به ریشه‌های عقلانی بیشتر تحقیقات در این پارادایم برمی‌گردد که به شکل برجسته‌ای در نظریه حسابداری مثبت (PAT) بیان شده‌اند. در منطق اصلی درخواست در PAT تاکید زیادی بر توضیح و پیش‌بینی پدیده‌های حسابداری حقیقی نظریه پردازی و تکیه نسبتا یک طرفه بر روشهای کمی با استفاده از نمونه‌های بزرگ شده است (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۶؛ برای مشاهده انتقاد اولیه به ویلیامز ۱۹۸۹ مراجعه کنید). معمولا با این که طرفداران اصلی PAT ریشه در هستی‌شناسی رئالیسم و معرفت‌شناختی اثبات‌گرا دارند (به ریان و همکاران، ۲۰۰۲؛ ویتلی، ۱۹۸۸) اما گرایش کمی به بحث در مورد پایه‌های فلسفی آن دارند و تمایل دارند که به ایده گنگی پارادایم به عنوان دلیلی برای انجام ندادن آن توسل کنند. به عنوان مثال واتس و زیمرمن (۱۹۹۰، ص. ۱۴۹) در پاسخ به انتقادهای نوظهور قضیه‌های هستی‌شناسی و معرفت‌شناختی PAT بیان کرده‌اند که:

«... در نظر بیشتر محققان بحث در مورد روش‌شناسی، موقعیت بدون موفقیتی است زیرا هر طرف با توجه به پارادایم متفاوتی بحث می‌کند که قوانین متفاوتی دارد و زمینه مشترکی ندارد».

واتس و زیمرمن (۱۹۹۰) به جای بحث در مورد مسایل فلسفی انتزاعی، مسیر پیشرفت علمی را به عنوان موضوع بررسی محدودیت‌های تحقیقات قبلی در مطالعات مکرر برای افزایش قابلیت تبیینی و پیش‌بینی‌کننده نظریه‌ها در نظر گرفتند زیرا این موارد به پدیده‌های حسابداری خاص و حقیقی مرتبط هستند. از این رو تاکید زیاد بر سازش با تحقیقات تجربی قابل تشخیص است. با اینکه این مورد با تجارب شخصی تعامل با همکاران در پارادایم اصلی منعکس می‌شود اما سازش با تحقیقات با همه احتمالات نشان‌دهنده تکیه شدید بر نظریه‌های اقتصادی و روشهای کمی است. همانطور که مرچانت (این مساله) نشان داده است ممکن است این راهبرد تنها راهبرد احتمالی برای محققانی باشد که خواهان موقعیت ممتاز در پارادایم اصلی هستند (خصوصا در امریکای شمالی) حتی اگر به دامنه وسیعتر نظریه‌ها و روش‌ها حساس باشند.

نظریه‌پردازان حسابداری مثبت با توجه به نقش خود-اگر نقشی داشته باشند- ممکن است تحقیقات روشهای مختلط را چنین در نظر بگیرند که این احتمال وجود داشته باشد که تحقیقات فرعی باشند که از دامنه خیلی محدودی از نظریه‌ها گزارش می‌شوند. این مورد حداقل از ناامیدی زیمرمن (۲۰۰۱) در مورد وضعیت تحقیقات معاصر حسابداری مدیریت برای در برگرفتن کار شدیداً توصیفی و کاوشی گزارش شده توسط رویکردهای نظری غیر از رویکردهای اقتصادی آشکار نیست. هم چنین به نظر می‌رسد که فقدان آموزش و انگیزه برای انجام



تحقیقات کیفی در محیط دانشگاهی حسابداری امریکای شمالی (به عنوان مثلاً به لی، ۱۹۹۵؛ پانوزو، ۱۹۹۷ مراجعه شود) برعلیه پذیرش گسترده‌تر رویکردهای روشهای مختلط به عنوان راهبرد تحقیقاتی قانونی عمل کند. مقالات مروری اخیر که تفکر اقتصاد محور را برای نشان دادن ارزش ترکیب آن با نظریه‌های دیگر توسعه می‌دهند بیشتر براساس معرفت‌شناختی اثبات‌گرا هستند که تشکیل دهنده اساس پارادایم اصلی است (کاوالسکی و همکاران، ۲۰۰۳؛ مرچانت و همکاران ۲۰۰۳). این امکان وجود دارد که حفظ چنین نقاط اشتراکی با تحقیقات اقتصاد محور برای شبیه‌سازی شکل‌هایی از گفت‌وگو بین اقتصاد و سایر نظریه‌های اجتماعی ضروری باشد. با این حال به نظر می‌رسد که این پیشرفت‌ها مسایل گسترده‌تر هستی‌شناسی و معرفت‌شناختی را دست‌بندی کرده و در نتیجه بینش‌های جدیدی را در مورد چالش‌های موجود در ترویج گفت‌وگو بین پارادایمی ارائه دهد.

هم‌چنین جامعه تحقیقات حسابداری که به شکل قابل ملاحظه‌ای کثرت‌گرا، «جایگزین» یا «بین‌رشته‌ای» است و محققان انتقادی و تفسیری جمعیت اصلی آن هستند (به روزلندر و دیلارد، ۲۰۰۳ مراجعه شود) به حالت خودکار به نفع تحقیقات روشهای مختلط به عنوان ابزاری از شبیه‌سازی تبادل بین پارادایمی ایده‌ها نیست. بسیاری از محققان برجسته این جامعه در مفهوم بین‌رشته‌ای بودن نقش دارند که به نظر نمی‌رسد که منجر به گفت‌وگو بین پارادایم اصلی اقتصاد محور شود. در واقع تلاشها برای تعریف دستورجلسه تحقیقات حسابداری بین‌رشته‌ای به مقدار زیادی مانع تحقیقات مبتنی بر اقتصاد نوکلاسیکی (مالی) شده‌اند (به عنوان مثال، گوتری و پارکر، ۲۰۰۴؛ میلنه و همکاران، ۲۰۰۸؛ پارکر و گوتری، ۲۰۰۹) که گاهی اوقات به نفع بیشتر نظریه‌های جامعه‌شناختی است (روزلندر و دیلارد، ۲۰۰۳). هم‌چنین تجلیل‌های اخیر در مورد پیشرفت‌های چنین تحقیقاتی، نگرانی‌های مشخصی را در مورد تلاشهای سلطه‌جویانه (هژمونی) پارادایم اصلی اقتصاد محور به وجود آورده است (به عنوان مثال هوپوود، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸)، البته نارضایتی در مورد مفهوم آن به عنوان چیزی بیشتر از «جایگزین» به «اصلی» وجود دارد (اهرنز و همکاران، ۲۰۰۸). با اینکه تا آنجایی که به توان بالقوه تحقیقات روشهای مختلط مرتبط است، این تلاش‌ها برای تعیین دستور جلسه به مقدار زیادی گنگ هستند، اما این سوال وجود دارد که آیا چنین تحقیقاتی در پیوند پارادایم‌ها نقش خواهند داشت مگر اینکه توضیح دهند که چگونه یافته‌های تحقیقاتی گزارش شده توسط نظریه‌های جامعه‌شناسی و سایر نظریه‌ها در آن یافته‌هایی که در پارادایم اصلی اقتصاد محور و برعکس رایج هستند، نقش داشته و آنها را اصلاح می‌کنند. سازش محض با تحقیقات روشهای مختلط در تعریف محدود جامعه‌شناسی در مورد بین‌رشته‌ای بودن مفید نیست. همانطور که والمر (۲۰۰۹) اشاره کرده است تلاش‌های آشکارتری برای بررسی پارادایم اجتماعی در پارادایم اقتصادی در تحقیقات حسابداری مدیریت ضروری هستند تا تبادل دو جانبه‌تری از ایده‌ها را بین جامعه‌شناسی و اقتصاد را شامل شوند.

این طرح خلاصه از بحث‌های اخیر در پارادایم‌های اصلی و جایگزین، وقفه رایج درباره توان بالقوه تحقیقات روشهای مختلط در شبیه‌سازی گفت‌وگو بین پارادایمی و قضیه‌هایی را نشان می‌دهد که لازم است برای تحقق این



مورد پر شود. محققان برجسته پارادایم اصلی در نتیجه بی میلی خود برای مشارکت در بحث های بین پارادایمی به شدت از این مسایل خودداری کرده اند. هم چنین مبلغین تحقیقات حسابداری جایگزین یا بین رشته ای تحقیقی را انجام دادند تا چنین تحقیقاتی را برخلاف پارادایم اصلی قرار دهند و نظرات کمی را در مورد این ارایه دهند که آیا تحقیقات روشهای مختلط ممکن است موجب پرورش «دیدگاه های میانی» پارادایمی شوند یا نه. چالش اصلی که در آینده وجود دارد این است که رویکردهای روشهای مختلطی را توسعه دهند که ممکن است مشارکت بین پارادایمی را ترویج کنند و محققان را به بیان قضیه هایی برای تبادل نظام مند ایده ها در مرزهای پارادایمی مجبور سازند.

۴. تحقیقات روش های مختلط به عنوان راهبردی از مشارکت بین پارادایمی

زمانی که درباره نحوه به کارگیری تحقیقات روشهای مختلط به عنوان راهبردی برای مشارکت بین پارادایمی فکر می کنیم تاکید بر این نکته اهمیت دارد که این موضوع نه نشان دهنده جداسازی مرزهای پارادایمی است و نه محققان را مجبور می سازد که در پارادایم های پیوندی از قبل موجودی شرکت کنند که عناصری از پارادایم های اصلی و جایگزین را ترکیب می کنند. اصرار بر چنین تغییراتی در بهترین حالت ساده و در بدترین حالت ضد تولیدی به نظر می رسد زیرا ممکن است موجب واکنش های حاصل از سیاست شوند و در نهایت هم پیمانان اصلی رویکردهای پیوند پارادایم را منحرف سازند (با سیمون و همکاران مقایسه شود، ۲۰۰۸). با اینکه قبلا طرفدار رئالیسم انتقادی به عنوان «دیدگاه میانی» پارادایمی برای تحقیقات روشهای مختلط در حسابداری مدیریت بودم (مدل، ۲۰۰۹)، اما هنوز هم زود است که بیان کنم که آیا چنین موضعی، پیگیری به حد کافی قوی را برای شکل دادن پارادایم «پیوندی» جمع خواهد کرد و تبادل دو جانبه تر و گسترده تری از ایده ها را بین پارادایم های اصلی و جایگزین ترغیب خواهد کرد (با کوهن ۱۹۶۲ مقایسه شود). از این رو بحث زیر بر این تمرکز دارد که چگونه تحقیقات روشهای مختلط می توانند محققان و ایده های مرتبط با این پارادایم ها را کنار هم قرار دهند، اما این سوال باقی می ماند که سرانجام چه نوع موضع پارادایمی ممکن است از چنین تلاشهای نامتناهی به وجود آید.

رویکرد مفید برای شبیه سازی گفتمان بین پارادایمی رویکرد بررسی همه جانبه است (لوپس و گریمز، ۱۹۹۹؛ ولفرام کوکس و هاسارد، ۲۰۰۵). ایده اصلی بررسی همه جانبه تجهیز پارادایم های مختلف در بررسی پدیده اجتماعی خاص است و حداقل در ابتدا (به جای اینکه آنها را اصلاح کرده و آنها را یکی سازد) انسجام آنها را حفظ می کند و در حین حال از مناطق انتقال (تغییر) بالقوه به آنها آگاه است. بنابراین در آن صورت تفاوتها و شباهتها در یافته های تحقیقاتی ممکن است در سطوح هستی شناسی، معرفت شناختی و روش شناسی به شکل نظام مندی تحلیل شوند. به عنوان مثال ممکن است مساله حسابداری خاص با کمک روشهای کمی و کیفی گزارش شده به ترتیب توسط نظریه ها و فرضیه های فلسفی مرتبط با پارادایم اصلی و جایگزین با استفاده از



گروهی از محققان آشنا با هر دو پارادایم بررسی شود. این مورد ممکن است نشان دهد که آیا یافته‌های تحقیقاتی در سایه مصنوعات روش‌شناسی یا به دلیل شباهت‌ها و تفاوت‌های بنیادی‌تر در فرضیه‌های فلسفی همگرا خواهند شد یا واگرا. ممکن است چنین تحقیقاتی با توجه آشکار به موضع‌های اتخاذی محققان قبلی در نتیجه تفاوت‌های موجود در پس‌زمینه‌ها مانند آموزش تحقیقاتی، وابستگی‌ها نهادی و تعهدات پارادایمی توسعه یابند (با ولفرام کوکس و هارسارد، ۲۰۰۵ مقایسه شود).

متناسب با دیدگاه نوظهور پارادایم‌ها که در شروع این بخش مطرح شد، ممکن است نقطه شروع مفید برای تحقیقات روش‌های مختلفی که راهبرد بررسی همه‌جانبه را دنبال می‌کند دسته‌بندی موقت فرضیه‌های هستی‌شناسی و معرفت‌شناختی و در حین حال تلاش برای کشف این باشد که چگونه چنین فرضیه‌هایی در عمل پایان می‌یابند. در عوض گروهی از محققانی که پارادایم‌های اصلی و جایگزین را نشان می‌دهند ممکن است تشویق شوند تا مساله حسابداری مدیریت حقیقی مرتبط به هر پارادایم را براساس روش‌های تحقیقاتی ترجیحی مربوطه آنها به طور تجربی بررسی کنند. ممکن است چالش اولیه شناسایی چنین مساله حقیقی باشد زیرا محققان پارادایم‌های مختلف تمایلی برای تمرکز بر ویژگی‌های مختلف جزئی از همان موضوع و پرسیدن سوالات تحقیقاتی متفاوت دارند (با براون و بریگنال، ۲۰۰۷ مقایسه شود). با این حال این مورد به نوبه خود می‌تواند شفاف‌سازی باشد زیرا ممکن است محققان را به مواجهه با مقدمه‌های مربوطه خود با دیدگاه‌های جایگزین مجبور سازد. با اینکه غیرواقع‌بینانه است که از محققان انتظار داشته باشیم که به طور عمد در درون پارادایم خاصی کار کنند تا به آسانی از دلایل قبلی خود جلوگیری کنند، اما ممکن است به آنها کمک کند که مرزهای توضیحات نظری خاص و واسط‌های آنها را همراه با توضیحات تکمیلی یا رقابتی مشخص کنند. پذیرا بودن بینش‌ها از سایر پارادایم‌ها ممکن است باعث شود که محققان پارادایم‌های مختلف، فرضیه‌ها و شرایط مشروطی را بیان کنند که در آنها احتمال این وجود دارد که دلایل قبلی صادق باشند. خصوصاً ممکن است مهم باشد که در مراحل اولیه فرایند تحقیقاتی برای جلوگیری از چیره شدن زیاد یک مورد یا مورد دیگر و تحت تاثیر قرار دادن یافته‌ها با مفاهیم مهم برای مراحل بعدی، بینش‌هایی را از هر دو طرف پذیرا شد. از این رو لازم است که عرصه‌های مناسبی برای محققان تثبیت شوند تا به طور پیوسته دیدگاه‌های خود را به اشتراک گذاشته و در سراسر فرایند تحقیقاتی حفظ کنند.

با اینکه پیش‌بینی این که چه پیامدهایی از پروژه‌های تحقیقاتی مانند مواردی که در بالا ذکر شده‌اند ممکن است وجود داشته باشند، زود است اما ممکن است توضیحی را در مورد قضیه‌های هستی‌شناسی و معرفت‌شناختی ارائه دهند که به طور موثر توسط محققانی تصویب شده‌اند که از پارادایم‌های مختلف حمایت می‌کنند. به عنوان مثال ممکن است نشان دهند که آیا محققان اصلی به شکل اصلی به موقعیت هستی‌شناسی رئالیسم تجربی افراطی و معرفت‌شناختی اثبات‌گرا متعهد هستند که براساس آن جهان خیلی ثابت، قابل پیش‌بینی و به سهولت قابل مشاهده است به شکلی که تفاوت‌های خاص بافت پیامد کمی برای توضیح پدیده‌های حسابداری خاص دارند. دلایلی برای



شک در باره این وجود دارد که همیشه این مورد صادق باشد. با اینکه طرفداران PAT مخالفت خود را در مورد تکیه بیش از حد بر تحقیقات کاوشی به عنوان روشی از تعیین یافته‌های تحقیقاتی بیان می‌کنند، اما آنها مکرراً بر اهمیت بررسی نابهنجاریهای نوظهور به عنوان اساسی برای توسعه نظریه تاکید کرده‌اند (به عنوان مثال واتس و زیمرمن، ۱۹۸۶؛ زیمرمن، ۲۰۰۱). تشخیص این نوع نابهنجاری‌ها یا «شواهد داستان‌گونه» استثنایی (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۶، ص. ۱۱) به عنوان وسیله‌ای برای تصحیح نظریه‌ها و افزایش قابلیت تبیینی و پیش‌بینی‌کننده آنها در بافت‌های تحقیقاتی مختلف مشاهده شده است. علاوه بر این انتقاد از تحقیقات کاوشی به عنوان ابزاری برای تعیین یافته‌های تحقیقاتی ممکن است به شکل خیلی دقیق در نظر گرفته نشود. حتی زیمرمن (۲۰۰۱) تعدادی از مطالعات اقتصاد محور را مشخص کرده است که بیان شده بود که در آن بینش‌های نوآورانه‌ای از نظریه‌های موجود مواجه شده دارای داده‌ها و موضوعات منحصر به فرد خاص متن به دست آمده‌اند. تحقیقات روشهای مختلط که راهبرد فراملت‌بندی را دنبال می‌کنند می‌توانند تست کنند که محققان پارادایم اصلی تا چه اندازه‌ای برای بررسی نابهنجاری‌ها آماده هستند و از نظر بازتولید عملی فرضیه‌های پارادایمی نشان دهنده چه چیزی هستند.

از طرف دیگر تحقیقات روشهای مختلط می‌توانند نشان دهند که آیا محققان مرتبط با پارادایم جایگزین همواره قضیه‌های هستی‌شناسی و معرف‌شناختی دارای ذهن‌گرایی مسلم را دنبال می‌کنند یا آنها به راحتی می‌توانند پدیده‌های حسابداری را توضیح داده و یا حتی آنها را تعمیم دهند. بحث‌های جدید در مورد ماهیت تحقیقات تفسیری در حسابداری مدیریت نشان می‌دهند که در واقعیت ممکن است مورد آخر صادق باشد (اهرنز، ۲۰۰۸؛ کاکوری - کنوتیلا و همکاران، ۲۰۰۸). محققان تفسیری به شکل چشمگیر می‌توانند کاری بیشتر از توصیف محض و بررسی معانی ذهنی انجام دهند؛ آنها اغلب می‌توانند توضیحات گزارش شده نظری را بررسی کنند. با این حال چنین توضیحاتی نیز به شدت خاص بافت و خاص زمان به نظر می‌رسند و به طور عمقی در معانی اجتماعی افراد بررسی شده قرار دارند. در نتیجه توضیح پدیده حسابداری قابل تقلیل به یافتن کوواریانس‌های موجود در فرضیه‌های قبلی نیست و به بررسی‌های تجربی خیلی عمیق‌تری نیاز دارند تا بتوان آنها را معتبر در نظر گرفت. با این حال توضیحات تایید کننده در تحقیقات حسابداری مدیریت تفسیری در نهایت موضوعی از تثبیت امکان‌پذیری آنها در برابر فرضیه‌های پس‌زمینه‌ای است که در جامعه خاصی از محققان در نقاط مختلف زمانی رواج دارند (لوکا و مدل، در مطبوعات). از این رو حداقل ممکن است دامنه‌ای برای تعمیم از محیط تحقیقات خاص به محیطی وجود داشته باشد که در درون این نوع جوامع و در بین چنین جوامعی صادق است (با هل استورم، ۲۰۰۸ مقایسه شود). تحقیقات روشهای مختلطی که راهبرد فراملت‌بندی را دنبال می‌کنند می‌توانند مواردی را در مورد مرزهای این نوع ادعاهای واقعیت بیان کنند و بیان کنند که چگونه این موارد با فرضیه‌های هستی‌شناسی و معرف‌شناختی جوامع محققان مختلف شرطی می‌شوند (که ممکن است با پارادایم‌های مختلف هم‌زمان باشند و ممکن است نباشند).



اگر تحقیقات مشابه به موارد مذکور، واگرایی‌های گسترده‌تری را بین آنچه محققان در هر دو طرف شکاف پارادایم آمادگی پذیرش دارند و مفاهیم قراردادی پارادایم‌ها آشکار سازند، در آن صورت دلایلی برای شک در مورد آخری وجود دارد. تاکنون در صورت وجود - تلاشهای خیلی کم در مورد فرامثلبندی در مطالعات تجربی انفرادی در منابع حسابداری مدیریت وجود داشته‌اند و فقط می‌توانیم درباره این فرض کنیم که آیا چنین تلاش‌هایی منجر به اصلاحاتی در مورد فرضیه‌های فلسفی خواهند شد که به طور موثر توسط محققان تصویب شده‌اند و ظهور پارادایم‌های «پیوندی» را ترویج کرده‌اند. راهبرد مطرح شده در بخش بالا باید به عنوان مرحله کوچکی در این فرایند در نظر گرفته شود نه جهش بزرگی در جهت پارادایم اصلی. کارهای تجربی زیادی برای انجام باقی مانده‌اند تا بتوانند شدتی را به این فرایند بیافزایند.

منابع و ماخذ

- Ahrens, T., 2008. Overcoming the subjective-objective divide in interpretive management accounting research. *Accounting, Organizations and Society* 33, 292-297.
- Ahrens, T., Becker, A., Burns, J., Chapman, C., Granlund, M., Habersam, M., Hansen, A., Khalifa, R., Malmi, T., Mennicken, A., Mikes, A., Panozzo, F., Piber, M., Quattrone, P., Scheytt, T., 2008. *The future of interpretive accounting research—a polyphonic debate. Critical Perspectives on Accounting* 19, 840-866.
- Anderson, S.W., Widener, S.K., 2007. *Doing quantitative field research in management accounting. In: Chapman, C.S., Hopwood, A.G., Shields, M.D. (Eds.), Handbook of Management Accounting Research, vol. 1. Elsevier, Oxford.*
- Blaikie, N.W.H., 1991. A critique of the use of triangulation in social research. *Quality and Quantity* 25, 115-136.
- Brown, R., Brignall, S., 2007. Reflections on the use of a dual-methodology research design to evaluate accounting and management practice in UK university central administrative services. *Management Accounting Research* 18, 32-48.
- Bryman, A., 2006. Paradigm peace and the implications for quality. *International Journal of Social Research Methodology* 9, 111-126.
- Bryman, A., 2007. Barriers to integrating quantitative and qualitative research. *Journal of Mixed Methods Research* 1, 8-22.
- Burrell, G., Morgan, G., 1979. *Sociological Paradigms and Organisational Analysis. Heinemann, London.*
- Covaleski, M.A., Evans III, J.H., Luft, J.L., Shields, M.D., 2003. Budgeting research: three theoretical perspectives and criteria for selective integration. *Journal of Management Accounting Research* 15, 3-49.
- Dillard, J., 2008. A political base for a polyphonic debate. *Critical Perspectives on Accounting* 19, 894-900.
- Guthrie, J., Parker, L., 2004. Editorial. Diversity and AAAJ: interdisciplinary perspectives on accounting, auditing and accountability. *Accounting, Auditing and Accountability Journal* 17, 7-16.



Hellström, T., 2008. Transferability and naturalistic generalization: new generalizability concepts for social science or old wine in new bottles. *Quality and Quantity* 42, 321–337.

Hopwood, A.G., 2007. Whither accounting research? *The Accounting Review* 82, 1365–1374.

Hopwood, A.G., 2008. Management accounting research in a changing world. *Journal of Management Accounting Research* 20, 3–13.

Kakkuri-Knuuttila, M.-L., Lukka, K., Kuorikoski, J., 2008a. Straddling between paradigms: a naturalistic philosophical case study on interpretive research in management accounting. *Accounting, Organizations and Society* 33, 267–291.

Kakkuri-Knuuttila, M.-L., Lukka, K., Kuorikoski, J., 2008b. No premature closures of debates, please: a response to Ahrens. *Accounting, Organizations and Society* 33, 298–301.

Kuhn, T.S., 1962. *The Structure of Scientific Revolutions*. University of Chicago Press, Chicago.

Lee, T., 1995. Shaping the US academic accounting research profession: the American Accounting Association and the social construction of a professional elite. *Critical Perspectives on Accounting* 6, 241–261.

Lewis, M.W., Grimes, A.J., 1999. Metatriangulation: building theories from multiple paradigms. *Academy of Management Review* 24, 672–690.

Lillis, A.M., Mundy, J., 2005. Cross-sectional field studies in management accounting research—closing the gap between surveys and case studies. *Journal of Management Accounting Research* 17, 119–141.

Lukka, K., Modell, S. Validation in interpretive management accounting research. *Accounting, Organizations and Society*, in press.

Merchant, K.A. Paradigms in accounting research: a view from North America. *Management Accounting Research*, this issue.

Merchant, K.A., Van der Stede, W.A., Zheng, L., 2003. Disciplinary constraints on the advancement of knowledge: the case of organizational incentive systems. *Accounting, Organizations and Society* 28, 251–286.

Milne, M., Guthrie, J., Parker, L., 2008. Editorial. Into the light and engagement. Two decades of interdisciplinary perspectives on accounting, auditing and accountability research. *Accounting, Auditing and Accountability Journal* 21, 117–128.

Modell, S., 2005. Triangulation between case study and survey methods in management accounting research: an assessment of validity implications. *Management Accounting Research* 16, 231–254.

Modell, S., 2007. Mixed methods research in management accounting: opportunities and obstacles. In: Granlund, M. (Ed.), *Total Quality in Academic Accounting. Essays in Honour of Kari Lukka*. Publications of Turku School of Economics and Business Administration, Turku.

Modell, S., 2009. In defence of triangulation: a critical realist approach to mixed methods research in management accounting. *Management Accounting Research* 20, 208–221.

Modell, S., Lee, A., 2001. Decentralization and reliance on the controllability

principle in the public sector. *Financial Accountability and Management* 17, 191–218.



Panozzo, F., 1997. *The making of good academic accountants*. *Accounting, Organizations and Society* 22, 447-480.

Parker, L., Guthrie, J., 2009. *Editorial. Championing intellectual pluralism*. *Accounting, Auditing and Accountability Journal* 22, 5-12.

Roslender, R., Dillard, J.F., 2003. *Reflections on the interdisciplinary perspectives on accounting project*. *Critical Perspectives on Accounting* 14, 325-351.

Ryan, B., Scapens, R.W., Theobald, M., 2002. *Research Method and Methodology in Finance and Accounting*, 2nd ed. Thomson, Padstow.

Symon, G., Buehring, A., Johnson, P., Cassell, C., 2008. *Positioning qualitative research as resistance to the institutionalization of the academic labour process*. *Organization Studies* 29, 1315-1336.

Watts, R.L., Zimmerman, J.L., 1986. *Positive Accounting Theory*. Prentice-Hall, Englewood Cliffs, NJ.

Watts, R.L., Zimmerman, J.L., 1990. *Positive accounting theory: a ten year perspective*. *The Accounting Review* 65, 131-156.

Whitley, R.D., 1988. *The possibility and utility of positive accounting theory*. *Accounting, Organizations and Society* 13, 631-645.

Williams, P.F., 1989. *The logic of positive accounting research*. *Accounting, Organizations and Society* 14, 455-468.

Wolfram Cox, J., Hassard, J., 2005. *Triangulation in organizational research: a re-presentation*. *Organization* 12, 109-133.

Zimmerman, J., 2001. *Conjectures regarding empirical management accounting research*. *Journal of Accounting and Economics* 32, 411-427.